

به سوی حکمروایی اجتماعی محلی؛ کوششی در معرفی موضوعات و عرصه‌های کلیدی موردپژوهی: محله درکه

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۶/۰۳/۳۰

جمیله توکلی نیا (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین، گروه جغرافیای انسانی و آمایش)
محمد کاظم شمس پویا* (دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی)

چکیده

نگاهی به سیر تحول رویکردهای اداره و مدیریت شهری نشان می‌دهد که دیگر نمی‌شود همچون گذشته بدون توجه به رویکردهای مشارکتی و توجه به مقیاس محلی به برنامه‌ریزی پرداخت. در این میان حکمروایی اجتماعی محلی به مثابه الگوی مؤثر و کارآمد نحوه‌ی اداره‌ی امور مطرح می‌شود. اجتماع محلی پایه‌گذار تعاملات انسان امروزی تلقی می‌شود و حکمروایی اجتماعی محلی پتانسیل بالایی را به منظور مشارکت اجتماعات محلی در تصمیم‌گیری‌ها نشان می‌دهد. در این نوشتار مؤلفه‌های حکمروایی اجتماعی محلی و ارتباط آن با مؤلفه‌ی مشارکت در محله درکه تحلیل شده است. در بخش نظری تحقیق، از مطالعات کتابخانه‌ای و در بخش موردی تحقیق از پیمایش و ابزار پرسشنامه بهره گرفته شد. نتایج تحقیق نشان داد که سطح مؤلفه‌های حکمروایی اجتماعی محلی در محله درکه از سطح متوسط پایین‌تر است. همچنین، بین مشارکت و حکمروایی اجتماعی محلی و مؤلفه‌های آن رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. بنابراین با کاهش مشارکت، امتیاز حکمروایی اجتماعی محلی کاهش می‌یابد و عکس این عمل نیز صادق است.

واژه‌های کلیدی: حکمروایی اجتماعی محلی، توسعه ظرفیت، حکومت محلی، تمرکززدایی، محله‌ی درکه

* نویسنده رابط: kpouya1@gmail.com

۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر، حکمروایی به یکی از مفاهیم کلیدی مطالعات شهری تبدیل شده است. حکمروایی فرآیندی است که به حضور کنشگران و ارتقاء نقش آنان در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور ارج می‌نهد و در نهایت می‌تواند منجر به توسعه پایدار محیط شود. به تعبیری، حکمروایی فرآیندی است که پیوند کنشگران حیطه عمومی و خصوصی را در بر می‌گیرد و بر حقانیت عرصه عمومی و مشارکت اجتماعی مردم در فرایند توسعه و در چارچوب شبکه‌های اجتماعی تأکید می‌ورزد. در این میان با توجه به ناکارآمدی رویکردهای بالا به پایین در برنامه‌ریزی‌ها و نیز فزونی گرفتن مسائل و چالش‌های پیش‌روی کلان‌شهرها و شهرهای امروزی، توجه به رویکردها و شیوه‌های مشارکتی و دموکراتیک در برنامه‌ریزی‌ها و شیوه‌های اداره امور بیش از پیش احساس می‌شود. در واقع «نظریه‌پردازی‌های جدید در خصوص کاهش نقش دولت و بازنگری در وظایف و کارکردهای آن و افزایش نقش نهادهای غیردولتی در اداره زندگی اجتماعی را می‌توان مبین ضرورت گذار از حکومت به حکمروایی تلقی کرد» (مه‌دیزاده، ۱۳۸۰: ۴۹).

اجتماع محلی بستر کنش‌ها و تعاملات انسان امروزی تلقی می‌شود و حکمروایی اجتماع محلی فرآیندی است که بر فراهم ساختن فرصت اظهار نظر و تصمیم‌گیری اجتماعات در مسائل مربوط به اجتماع محلی تأکید می‌ورزد. در مقام عمل نیز می‌شود گفت که مشارکت اجتماع محلی به مثابه کلید موفقیت برنامه‌ریزی‌های محله محور و حکمروایی اجتماع محور محسوب می‌شود. از این‌رو، تحقیق حاضر با توجه به کمبود تحقیقات علمی در این زمینه انجام شده است. این مهم به صورت موردی در محله درکه تهران صورت گرفته است. پژوهش حاضر در پی تحلیل مؤلفه‌های حکمروایی شایسته همچون پاسخ‌گویی^۱، قانونمندی^۲، شفافیت^۳، اثربخشی و کارایی^۴، مسؤولیت‌پذیری^۵ در محله درکه و رابطه‌ی آن با مؤلفه‌ی مشارکت است و در پاسخ به این استدلال تحقیق، فرضیات زیر مطرح شده است:

الف) وضعیت مؤلفه‌های حکمروایی در محله درکه پایین‌تر از سطح متوسط است.

^۱ .Accountability

^۲ . Rule of Law

^۳ . Transparency

^۴ . Effectiveness and efficiency

^۵ . Responsibility

ب) بین حکمروایی اجتماع محلی و مؤلفه مشارکت ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد.

تحقیق حاضر و نتایج آن می‌تواند برای برنامه‌ریزان، مدیران شهری حوزه مورد مطالعه (محلّه‌ی درکه) و نیز شهروندان و محققان مفید واقع شود.

۲- پیشنهاد تحقیق

از تحقیقاتی که درباره‌ی حکمروایی صورت گرفته و به صورت مستقیم و غیر مستقیم با سطح محلی و اجتماع محلی مرتبط است می‌شود به نتایج تحقیقی که در کشور نپال^۱ انجام شده اشاره کرد. در این کشور، از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ تمرکززدایی در مقیاس بزرگ و برنامه‌های تقویت حکمروایی محلی را آغاز کردند که در این زمینه بر نقش مثبت سازمان‌های اجتماع-محور^۲ در توسعه تأکید شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیش تر پاسخگویانی که از آنان پرسشگری به عمل آمده است معتقدند، بسیج اجتماعی و توسعه اجتماع (محلی) باید به مثابه اجزای یکپارچه اصلاح حکمروایی محلی تلقی شوند و دولت محلی و توسعه اجتماع-محور مکمل یکدیگرند (Mallik, 2013). حکومت‌های محلی نیز در زمره‌ی کنشگران مهم حکمروایی اجتماع محلی محسوب می‌شوند. در پژوهشی که در هند صورت گرفته ضمن ارزیابی ضعیف حکومت‌های محلی در زمینه تمرکززدایی، توانمندسازی حکومت را نیز منوط به تمرکززدایی دانسته است. از این رو به منظور اصلاح سازمانی حکومت‌های محلی؛ نقشی برای تمرکززدایی قدرت سیاسی قائل شده است (Woong Kim & Bell, 1985).

در پژوهش دیگری که در استرالیا درباره‌ی حکمروایی محلی و مشارکت شهروندی صورت گرفته نیز بر نقش شوراهای منطقه‌ای در توسعه اجتماعی تأکید شده است (Smyth & Jones, 2005). اما، تحقق حکمروایی محلی با موانعی پیش روبروست، از جمله می‌شود به فساد و انحصار قدرت اشاره کرد. در پژوهشی با نام «حکمروایی محلی و همبستگی اجتماعی در اوکراین» (۲۰۱۳)؛ موانع اجرایی شدن حکمروایی محلی و همبستگی اجتماعی برشمرده شده است. عواملی مانند نبود اراده‌ی لازم برای اجرایی نمودن برنامه‌ها، نبود انگیزه برای اصلاح سیستم، تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی و متعاقباً بحران، رکود و سطح بالای

1. Nepal
2. CBOs

فساد موجب شکل‌گیری جامعه‌ای متفرق شده است که در آن گروه‌های گوناگون در جامعه با یکدیگر همبستگی کم تری داشته و جامعه‌ی مدنی نقش بسیار ضعیفی را ایفا نموده است (Bartlett & Popovski, 2013).

رهنمایی و کشاورز (۱۳۸۹) در تحقیق خود تحت عنوان «بررسی الگوی حکمروایی خوب و نقش دولت در مدیریت و اداره‌ی امور شهرها در ایران» بدین نتیجه رسیده‌اند که ساختار دولت در ایران، زمینه‌ساز تسلط گسترده‌ی آن بر تمامی عرصه‌های حیات سیاسی و اجتماعی - اقتصادی و حتی فرهنگی جامعه و به تبع آن اداره‌ی امور شهرها شده است. رهنما و همکاران (۱۳۸۹) نیز در تحقیق خود با عنوان «تحلیل جایگاه حکمروایی خوب شهری در مشهد با الگوی SWOT» بدین نتیجه رسیده‌اند که موقعیت حکمروایی در مشهد از میان چهار حالت تهاجمی، محافظه‌کارانه، تدافعی و رقابتی در بدترین وضعیت ممکن یعنی موقعیت تدافعی قرار دارد. همچنین، در یکی از تحقیقات داخلی که با نوشتار پیش‌رو سنخیت بیش تری دارد، محققان با ارزیابی کارکرد مدیریت محله‌ای در محله آرات تهران بر پایه‌ی نمایه‌های حکمروایی خوب شهری بدین نتیجه رسیده‌اند که این محله در زمینه‌ی کارکرد میانگین نمایه‌های حکمروایی خوب وضعیتی نسبتاً نامطلوبی دارد (رضویان و دیگران، ۱۳۹۴).

شایان ذکر است که تحقق حکمروایی اجتماع محلی با تمرکززدایی، شیوه‌های مشارکت شهروندان در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری، نیز، جایگاه شوراهای شهرداری‌ها در جامعه در ارتباط است. در این زمینه، رجبی (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان «شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرایندهای توسعه شهری» نشان داده است که تجربه‌ی کشورهای گوناگون جهان در طرح‌های توسعه شهری نشان می‌دهد که موفقیت طرح‌ها در بسیاری از موارد از قدرت دولت خارج بوده و در گرو مشارکت مردم و نهادهای محلی است. اسدیان و سیاحی (۱۳۹۰) نیز در تحقیق خود به بررسی الگوی مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده پرداخته و نشان می‌دهند که مردم محله از وضعیت فعلی آن راضی هستند و با طرح نوسازی و بهسازی موافق هستند؛ اما حاضر به مشارکت با شهرداری نیستند، مگر در صورتی که به نظرها و پیشنهادهای آن‌ها اهمیت داده شود.

صرافی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان «ناحیه‌محوری، ضرورت ارتقاء مدیریت محلی در شهرداری تهران (منطقه ۴)»، نیز نتیجه گرفته‌اند که شورایی‌های محلات، برنامه‌های خاصی را برای همکاری با محلات دیگر در منطقه تعریف نکرده‌اند و یا

در مورد اجرای سند چشم‌انداز هیچ نقشی برای محلات مجاور تعریف نشده است. در مجموع، هیچ سازوکار رسمی برای ارتباط محلات در سطوح بالاتر که به پیوند محله‌ای بینجامد تعریف نشده است.

بدین‌سان، در بیش تر تحقیقاتی که صورت گرفته است بر مقیاس کلان تأکید بیش تری شده است و آن‌گاه که به مقیاس خرد توجه شده است، این موضوع کم تر در بافت حکمروایی خوب محلی به بحث و بررسی گذاشته شده است، اما این تحقیق افزون بر اینکه به نکات مهم هر یک از تحقیقات پیشین همچون تمرکززدایی و مشارکت شهروندی توجه نموده، بلکه بر مقیاس خرد (محله) متمرکز شده است که تاکنون کم تر بدان توجه شده است.

۳- مبانی نظری

حکمروایی در بیانی ساده، فرایندی از تصمیم سازی و روندی است که تصمیم‌ها در آن به اجرا در می‌آیند، می‌شود آن را به قدمت تمدن بشری دانست (فرزین‌پاک، ۱۳۸۳: ۶۸). این اصطلاح از لغت یونانی «Kybernan» و «Kybernetes» گرفته شده است و معنی آن هدایت کردن و راهنمایی کردن و یا چیزها را در کنار هم نگه داشتن است (اکبری، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

اجتماع (محلی) نیز ممکن است برای اشاره به مجموعه‌ی افرادی که در یک ناحیه‌ی محلی زندگی می‌کنند (Nyseth & Ringholm, 2008) گروهی از مردم که در یک فضای مشخص زندگی می‌کنند؛ مردمی با عقاید خاص مذهبی بدون در نظر گرفتن مکان؛ مردمی با هویت^۱ و فرهنگ پایدار با درجه‌ی بالایی از تعامل اجتماعی^۲، انسجام و پیوستگی اجتماعی^۳ به کار برده شود (Wyly, 2008).

یکی دیگر از اصطلاحات این نوشتار توسعه اجتماع محلی است. توسعه اجتماع محلی اصطلاحی کلی برای توصیف فرآیندهایی است که به واسطه‌ی آن اجتماعات محلی می‌توانند استانداردهای مربوط به زندگی‌شان را ارتقاء بخشند (UNESCO, 1956). همچنین توسعه اجتماع محلی فرآیندی است که به موجب آن اعضای اجتماعات برای اقدام

1. Identity

2. Social interaction

3. Social cohesion

جمعی و اتخاذ راه‌حل برای مسائل عمومی گرد هم می‌آیند. فرآیند توسعه اجتماع محلی اصولی دارد؛ از جمله اینکه کوششی بلندمدت است. نیاز به برنامه‌ریزی خوب، دربرگیرنده و منصفانه، کل‌نگر و یکپارچه دارد. فرآیندی مشارکتی است و به مردم و تفاوت‌های فرهنگی آنان نیز احترام می‌گذارد (Frank & Smith, 1999). بر اساس مردم و محیط زندگی آن‌ها تحقق می‌پذیرد و نه بر اساس تولید و سود (صرافی، ۱۳۷۷).

اما، برای آغاز بحث ضرورت دارد نگاهی به پیشینه‌ی حکمروایی اجتماع محلی بیندازیم. دشوار است بتوانیم خاستگاه حکمروایی اجتماع محلی را دریابیم؛ بدان دلیل که این مفهوم با مفاهیم بسیار دیگری که مربوط به اجتماع محلی و ارتقاء آن می‌شود در ارتباط است. به نظر می‌رسد بتوان پیشینه‌ی آن را مربوط به دهه ۱۹۶۰ دانست. برای نمونه توماس^۱ (۱۹۶۶) در بررسی‌های خود به طرح پرسش‌هایی مانند اینکه چه کسانی حکومت می‌کنند؟ چه کسانی تصمیمات را می‌سازند؟ چه کسانی تأثیر بیش تری بر تصمیم‌سازان می‌گذارند؟ تصمیمات سیاسی مهم چگونه ساخته می‌شوند؟ و بررسی ارتباطات متقابل میان تصمیم‌سازان مبادرت ورزیده و در این میان ابعاد رسمی (کارگزاری‌های دولت، خدمات ویژه نظیر پلیس، مدارس و شوراهای شهر و مانند آن)، و غیررسمی (باشگاه‌های محله، انجمن‌های مدنی و سازمان‌های خدمات‌رسانی و غیره) سیستم تصمیم‌سازی را به بحث گذاشته است. باید افزود که حکمروایی اجتماع محلی از دهه‌ی ۱۹۹۰ بود که محبوبیت بسیاری پیدا کرد. (Totikidis & Francis, 2005).

در واقع، از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ نوعی گذار از مدیریت متمرکز به مدیریت محلی رخ داد و در ادامه و از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی بر تقویت نهادی - سازمانی و ظرفیت‌سازی محلی (برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۱۹۳) و توسعه ظرفیت بیش از پیش پافشاری شد. بنابراین، لزوم تغییر از ساختارهای ایستا و متکی به دولت به سوی درک جایگاه و نقش سایر بازیگران در اداره‌ی اجتماع و تصمیمات مربوط به اجتماع محلی بیش تر احساس شد. بخشی از این تغییرات را می‌شود به تمرکززدایی و واگذاری وظایف و مسؤولیت به پایین‌ترین سطوح، گسترده‌شدن مشارکت اجتماعات محلی و لزوم تسهیم قدرت و بخش دیگر را در ارتباط با تغییر نقش حکومت‌های محلی و پذیرش نقش اجتماعات محلی در سیاست‌گذاری‌ها مرتبط دانست. برای اینکه نمونه‌ای به دست داده شود، می‌شود به تغییر ماهیت حکمروایی محلی در طول دهه‌ی گذشته در بریتانیا اشاره کرد. از مهم‌ترین این

¹ . Thomas

تغییرات می شود به کاهش پایه‌های قدرت حکومت مرکزی و تغییر در حکومت‌های محلی اشاره کرد. دولت بریتانیا با انتشار سند سفید، اجتماعات محلی قوی و شکوفا^۱ (۲۰۰۶)، به تعیین اولویت‌های آینده‌ی اجتماعات محلی و حکومت محلی مبادرت ورزید. همچنین قانون اجتماعات محلی پایدار (۲۰۰۷) به شوراها اجازه داد که با مردم محلی مشورت کنند و پیشنهاد هایی که ممکن است به بهتر شدن کیفیت زندگی و پایدارتر شدن آن یاری رساند را دریافت کنند. هدف از این قانون قدرت‌دادن به مردم برای تغییر محیط زندگی‌شان بود (Halsall et al, 2013).

با توصیفات پیش‌گفته، حکمروایی اجتماع محلی به مثابه الگوی مؤثر و کارآمد چگونگی اداره‌ی امور و تصمیم‌گیری‌ها در اجتماع محلی مطرح می شود و با توجه به حضور کنشگران گوناگون با درجات متفاوتی از قدرت در اجتماع محلی، حکمروایی اجتماع محلی در پی تبیین شیوه‌هایی است که کنشگران و عوامل گوناگون در سطح اجتماعات محلی گرد هم می‌آیند و با یکدیگر برای بهگشت اجتماع محلی تعامل دارند و ظرفیت‌های جمعی اجتماع محلی نیز برای توسعه اجتماع محلی به کار بسته می شود. تعابیر و تعاریف گوناگونی از حکمروایی اجتماع محلی به عمل آمده است. در تعریفی حکمروایی اجتماع (محلی) به مثابه تغییر نقش‌های سنتی حکومت‌های محلی در ارائه‌ی خدمات و نیز تغییر نقش مراجع و سازمان های محلی از اداره عمومی به سوی رهبری سیاسی در جامعه مدنی عنوان شده است (Halsall, 2012). در واقع حکمروایی اجتماع محلی به مشارکت و تصمیم‌سازی اجتماع محلی در موضوعات عمومی و مسائل و موضوعات مربوط به حکمروایی محلی، حکمروایی اجتماعی^۲، حکمروایی شبکه و حکمروایی مشارکتی اشاره دارد. همچنین حکمروایی اجتماع محلی برای اشاره به فعالیت‌ها و اقدامات مرتبط با اجتماع محلی به کار برده می شود (Totikidis & Francis, 2005).

عناصر و موضوعاتی، گذار بسوی حکمروایی اجتماع محلی را آسان‌تر می‌سازد. یکی از این موضوعات، تمرکززدایی^۳ و تفویض اختیارات و منابع به سطوح پایین است. اهمیت تمرکززدایی به حدی است که برای نیل به توسعه؛ تنوع در ساختار حکومتی، تمرکززدایی و واگذاری اختیارات به سطوح پایین‌تر مطرح شده است (اطاعت و موسوی، ۱۳۹۲: ۲۷۱). ضرورت تمرکززدایی و به عبارت دقیق‌تر آن در ایران، تراکم‌زدایی، موضوعی است که در

1. White paper, Strong and Prosperous Communities

2. Social Governance

3. Decentralization

متون کارشناسی و حتی در سیاست ها و برنامه‌های رسمی کشور سابقه‌ای به قدمت سه دهه دارد. شاید قدیمی‌ترین سند قانونی در این زمینه، «قانون برنامه و بودجه» مصوب ۱۳۵۱ باشد که دولت را مکلف کرد تا به تدریج مقدمات استانی کردن بخشی از بودجه دولت را فراهم سازد (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۸-۱۴۶). از دیگر موارد می‌شود به ظرفیت‌سازی/توسعه ظرفیت^۱ اشاره کرد. ظرفیت عبارت است از: قابلیت‌ها، مهارت‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، ارتباطات، رفتارها، انگیزه‌ها، منابع و شرایطی که اشخاص، سازمان‌ها، شبکه‌ها/بخش‌ها و سیستم‌های اجتماعی گسترده‌تر قادر شوند فعالیت‌ها و وظایف خود را انجام دهند (CIDA, 2000). ظرفیت‌سازی که به منزله‌ی "ابزار اصلی اجرا" برای حوزه‌های اصلی برنامه دستورکار^۲ ۲۱ در نشست زمین سال ۱۹۹۲ در ریو معرفی شد، به عاملی مهم در برنامه‌های دستورکار محلی ۲۱ در سراسر جهان تبدیل شد (Evans et al, 2005: 28-29). در واقع، "توسعه ظرفیت" اصطلاحی است که از دهه ۱۹۸۰ میلادی رایج شده است. پیتر مورگان^۳ توسعه ظرفیت را به عنوان "توانایی اشخاص، نهادها و سازمان‌ها برای حل کردن مسائل توسعه در طی زمان" تعریف کرده است (Jonsson, 2003). نکته‌ی مهم آنکه، قابلیت نهادسازی، مستلزم هنر گفت و گوی دموکراتیک، برای برانگیختن توانایی و عزم همه آنهاست که در این طرح‌ها درگیرند. گفت و گوهای دموکراتیک نیازمند تشریح اطلاعات در مورد اشخاص، سازمان‌ها و وضعیت‌هایی است که آن‌ها را در مقابل هم قرار می‌دهد (سازمان ملل متحد، ۱۳۹۲: ۷۰۹-۷۰۸). ضمن آنکه نهادسازی برای اینکه موفق باشد ضرورت دارد که نهادهای مدنی و سازمان‌های حکومت محلی را نیز دربر بگیرد و در این زمینه نمی‌شود فقط به توسعه‌ی ظرفیت‌های دولتی توجه کرد. همچنین، حکومت‌های محلی یکی از عناصر و ارکان گذار به سوی حکمروایی اجتماعی محلی به شمار می‌آیند. حکومت‌های محلی برای رسیدن به موفقیت در زمینه‌ی حکمروایی و توسعه اجتماع - محور می‌توانند نقش مهمی ایفا می‌کنند. بر پایه‌ی دستورکار^۴ ۲۱ "حکومت محلی نزدیک‌ترین سطح حکمروایی به مردم است"؛ از این رو، برای پیگیری هدف پایداری یعنی "جهانی‌اندیشیدن، محلی عمل کردن"^۴ بهترین جایگاه و مرتبه را دارند (Evans et al, 2005: 112). هنگامی که حکومت محلی با اجتماعات

¹ .Capacity development

² .Local Agenda 21

³ . Peter Morgan

⁴ . Thinking Globally, Acting Locally

(محلی) و گروه‌های غیررسمی به صورت مشارکتی تعامل دارد رسیدن به موفقیت در زمینه‌ی صرفه‌های ناشی از مقیاس برای ارائه‌ی کالاها و خدمات نیز امکان‌پذیر می‌شود (Adusei-Asante & Hancock, 2012:85). حکومت‌های محلی در مقایسه با حکومت‌های مرکزی نقش فعال‌تری در زمینه ارتقاء، تشویق، ترغیب شهروندی سیاسی و جلب مشارکت‌های شهروندی دارند(نجاتی حسینی، ۱۳۸۰).

مؤلفه‌های حکمروایی محلی نیز عبارتند از:

حاکمیت قانون^۱: حکمروایی شایسته نیازمند چارچوب‌های قانونی عادلانه‌ای است که بی‌طرفانه اجرا شوند. همچنین به معنای حمایت کامل از حقوق بشر به ویژه حقوق اقلیت‌هاست.

شفافیت: شفافیت به این معناست که اتخاذ تصمیمات و اجرای آنها از قانون و مقررات تبعیت می‌کند. همچنین شفافیت به معنای دسترسی آزاد و مستقیم افراد به اطلاعات است.

مسئولیت‌پذیری^۲: حکمروایی شایسته مستلزم آن است که نهادها و فرایندهای تصمیم‌گیری به گونه‌ای عمل کنند که همه‌ی ذی‌نفعان را در یک چارچوب زمانی منطقی و معقول دربر بگیرند. بنابراین، مسؤولان و تصمیم‌گیران باید در قبال اعمال و تصمیمات خود حساب پس دهند.

جهت‌گیری توافقی(اتفاق آراء)^۳: در یک جامعه بازیگران گوناگونی با نظرانی گوناگون وجود دارند. توافق گروه‌های گوناگون در جامعه به گونه‌ای که بیشترین نفع را برای جامعه در پی داشته باشد از ضروریات حکمروایی شایسته است. دستیابی به اجماع و توافق نیازمند اتخاذ دورنمای بلندمدت برای رسیدن به اهداف توسعه پایدار است. این موضوع زمانی تحقق می‌یابد که درک جامع و درستی از زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی جامعه یا اجتماع وجود داشته باشد.

انصاف و دربر گیرنده بودن^۴: بهگشت^۵ یک جامعه منوط به این است که در تمامی افراد جامعه این احساس شکل گیرد که از جریانات جامعه طرد نشده‌اند. این موضوع نیازمند

-
1. Rule of Law
 2. Responsibility
 3. Consensus Oriented
 4. Inclusiveness
 5. Well being

دربرگرفتن همه‌ی گروه‌ها، به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه است؛ به گونه‌ای که برای بهبود وضعیت زندگی و بهگشت‌شان فرصت‌هایی فراهم آید.

کارایی و اثربخشی: حکمروایی شایسته به این معناست که فرایندها و نهادهای، نتایجی را موجب می‌گردند که نیازهای جامعه را تأمین کرده و استفاده‌ی بهتری از منابع به منظور تأمین نیازهای شهروندان به عمل می‌آید. مفهوم کارایی در حکمروایی شایسته به این معناست که استفاده‌ی مناسبی از منابع صورت می‌گیرد و محیط‌زیست نیز حفظ می‌شود.

پاسخ‌گویی: پاسخ‌گویی از الزامات اصلی حکمروایی شایسته است. از این‌رو، نه تنها نهادهای حکومتی، بلکه نهادهای بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی باید به عامه‌ی مردم و سایر ذی‌نفعان پاسخگو باشند. یک سازمان و یا نهاد باید در قبال تصمیم‌ها و اقدامات خود پاسخگو باشد. بنابراین، پاسخ‌گویی بدون شفافیت و حاکمیت قانون محقق نمی‌شود (www.unescap.org).

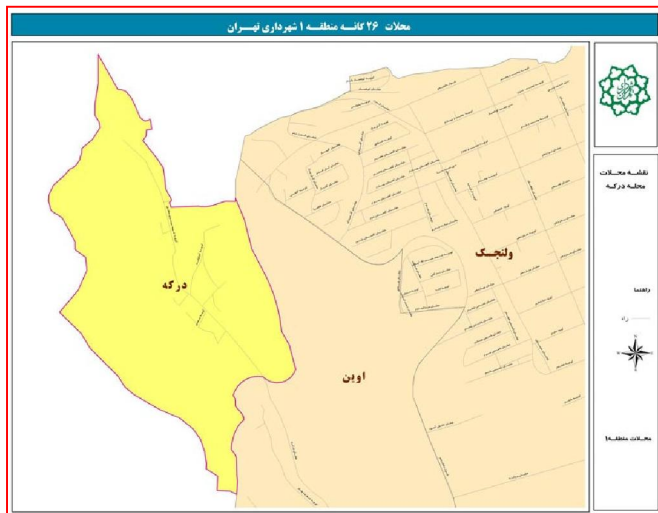
۴- روش پژوهش و ابزارهای تحلیل

تحقیق حاضر از سنخ تحقیقات توصیفی - تحلیلی و دارای جنبه‌های کاربردی است. روش‌های گردآوری اطلاعات آمیزه‌ای از روش‌های «کتابخانه‌ای - میدانی» است. برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری تعیین حجم نمونه به روش نسبت آماري استفاده شد که با توجه به جمعیت محله تعداد ۶۷ پرسش‌نامه به دست آمد. سرانجام برای افزایش دقت مطابقت حجم نمونه با حداقل حجم نمونه در تحقیقات پیمایشی، تعداد ۱۰۰ پرسش‌نامه مبنای بررسی قرار گرفت. از آزمون تک نمونه‌ای t و تعیین ضرایب همبستگی متغیرها به منظور آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است و داده‌ها در محیط نرم‌افزاری SPSS وارد و خروجی حاصل از آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از آنجایی که استفاده از آزمون t مشروط بر مشخص نبودن انحراف معیار و شرط لازم انجام آزمون نیز محاسبه انحراف معیار است باید ترتیبی اتخاذ شود تا برآوردی از انحراف معیار جامعه برای نمونه‌ها به دست آید. در واقع آزمون t نمونه‌ای بر این مفروضه استوار است که تعداد n مشاهده به صورت تصادفی مستقل، از جامعه‌ای با توزیع نرمال استخراج شده و در یک متغیر با مقیاس فاصله‌ای تنظیم شده است (مهدوی و طاهرخانی، ۲۳۰: ۱۳۸۵-۲۲۹). از این‌رو، برای هر یک از پرسش‌ها که پاسخ آن به صورت طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای در نظر گرفته شده میانگین ۳

است. از مجموع میانگین‌ها نیز میانگین فرضی جامعه‌ی آماری در هر یک از مؤلفه‌ها به دست می‌آید. در پایان، از مجموع امتیازات تمامی مؤلفه‌ها، امتیاز نهایی جامعه‌ی آماری به دست خواهد داد. نتایج پرسش‌های دو گزینه‌ای نیز به صورت توصیفی گزارش می‌شود. از نقشه‌های موجود در محیط GIS نیز استفاده شده است.

۵- محدوده مورد مطالعه

دره درکه از شرق، غرب و شمال محصور به کوه هاست. رودخانه فصلی درکه، که از ارتفاعات شمالی سرچشمه می‌گیرد از میان دره عبور می‌کند. خانه‌های محدوده، در دامنه ارتفاعات به طور فشرده و متراکم در کنار هم قرار گرفته‌اند و توسط کوچه باغ‌های تنگ و باریک و شیب‌دار به هم مربوط می‌شوند (شعبانی، ۱۳۷۹: ۶۲). محله‌ی درکه در منطقه ۱ شهرداری تهران و ناحیه ۲ واقع شده است. درکه با قدمتی ۸۰۰ ساله، یکی از محله‌های قدیمی تهران معرفی شده است. پیوند اهالی درکه و اوین دارای چنان استحکامی بوده است که همگان با وجود تفکیک محدوده، از این دو محله هم جوار به نام «اوین-درکه» یاد می‌کنند (سند هویت محله درکه، ۱۳۸۶). جمعیت محله درکه در سال ۱۳۸۹ معادل ۶۳۵۵ نفر در قالب ۱۹۴۳ خانوار با بُعد ۳/۲ نفر بوده است (شهرداری منطقه ۱ تهران).



نگاره ۱. موقعیت جغرافیایی محله درکه

مأخذ: <http://darakeh.mytehran.ir/Default.aspx?tabid=13171>

۶- تحلیل یافته‌ها

از بررسی مفاهیم کلیدی حرکت به سوی حکمروایی اجتماع محلی مجموعه مطالب زیر به دست آمد:

- تأکید بر تمرکززدایی و واگذاری اختیارات و منابع به سطوح محلی به مثابه جزء مهم حرکت بسوی حکمروایی اجتماع محلی؛ توجه و تأکید بر توسعه ظرفیت و لزوم مشارکت اعضای اجتماع در تصمیم‌گیری‌ها و سهیم‌شدن در اقدامات مربوط به اجتماع و مشارکت اجتماعات (یا نمایندگان اجتماع) در توسعه‌های اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی وسیع‌تری که بر اجتماع اثر می‌گذارد؛ افزایش و تقویت نقش حکومت‌های محلی؛ همچنین، ارتباط بین مؤلفه مشارکت با حکمروایی

- نگاهی به ویژگی‌های نظام مدیریت، حکمروایی و برنامه‌ریزی شهری در کشورمان لزوم تحول آن را خاطر نشان می‌سازد. آنچه در این حوزه ضروری است، پیگیری سیاست‌های کلان نظام، در زمینه تمرکززدایی، واگذاری وظایف، گسترش سطوح محلی نظام مدیریت سرزمین در اداره امور محلی در کشور است. به نظر می‌رسد در عرصه تمرکززدایی سیاسی در ایران، شکل‌گیری و استقلال حکومت محلی از حکومت مرکزی در عمل چندان محقق نشده است. حتی تشکیل شوراها و شهرداری‌های مردمی با تعریف تمرکززدایی سیاسی همخوانی ندارد. زیرا در ساختار و عملکردهای سطوح مختلف تصمیم‌گیری سرزمین تفاوت ماهوی ایجاد نشده است. با این تغییر (انتخابی‌شدن شورای شهر) نه کارکردهای جدیدی از سطح ملی به استانی یا سطح محلی تفویض شده است و نه قدرت تصمیم‌گیری جدیدی به آنها داده شده است (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۷-۱۴۶). افزون بر موارد پیش‌گفته باید افزود که یکی از ویژگی‌هایی که در نظام مدیریت شهری ایران مشاهده می‌شود، فقدان تفاوت و تمایز میان نظام اداره امور شهر در سطوح مختلف جمعیتی، سیاسی و نیز مکانیزم‌های مرتبط با آن است. برای نمونه، هیچ‌گونه تفاوتی در ساز و کار اداره شهر تهران به عنوان پرجمعیت‌ترین و نیز پایتخت ایران با دیگر شهرها دیده نمی‌شود. حال آنکه تجربیات جهانی نشان می‌دهد تفاوت در مدل مدیریت شهری در سطوح مختلف شهرهای یک کشور امری معمول است. این امر جدا از مدل مدیریت شهری، گاه به چگونگی انتخاب شهردار نیز تسری یافته است (آخوندی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵۴). یکسانی اداره امور شهر در ایران در سطح محلات نیز چشمگیر است؛ به گونه‌ای که تفاوتی میان اداره‌ی محلات پرجمعیت شهر تهران با محلات کم جمعیت وجود ندارد. ضمن آنکه

انتصابی بودن نحوه‌ی انتخاب مدیران محله نیز از دیگر نقایص موجود در این زمینه است. طبق اصل ششم قانون اساسی ایران، امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی و از طریق انتخابات اداره شود. همچنین طبق اصل هفتم شوراها: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظائر این‌ها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره‌ی امور کشورند. همچنین اصول صد تا صد و ششم قانون اساسی به مبحث شوراها اختصاص دارد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). همان‌گونه که در بالا مشاهده می‌شود به وجود شوراهای محلی در قانون اساسی توجه شده است اما باید گفت که «وظایف و اختیارات شورایی جنبه مشورتی دارد و شوراییاران مستقیماً در امور نواحی و مناطق شهری دخالتی نخواهند داشت» (توکلی‌نیا و استادسیسی، ۱۳۸۸: ۳۰). لازمه‌ی حکمروایی خوب اجتماع محلی دخالت دادن مردم در امور مربوط به خود و اجتماع‌شان است و می‌شود گفت که با مشارکت زمینه قدرتمندی شهروندان فراهم می‌آید. بر پایه‌ی زمینه‌ی نظری پیش‌گفته، مؤلفه‌های حکمروایی اجتماع محلی و مشارکت به صورت موردی در محله‌ی درکه تحلیل شد و در این زمینه با برخی مسؤولین محلی و اهالی محله مصاحبه و پرسشگری به عمل آمد که مؤلفه‌های آن در ادامه ارائه شده است.

جدول ۱. مؤلفه‌ها و گویه‌های حکمروایی (اجتماع محلی) و مشارکت

مؤلفه	گویه	پاسخ
پاسخ گویی	-پذیرفتن اشتباه و کوتاهی در انجام وظایف از سوی مسؤولان و مدیران منطقه	طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای)
	-میزان توجه مسؤولان و مدیران به نظرات و خواسته‌های شهروندان و اهالی محله	طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای)
حاکمیت قانون	-اطلاع شهروندان و اهالی از ضوابط و مقررات مربوط به مسائل عمرانی محله	طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای)
	-اطلاع شهروندان و اهالی از سازمان‌های تصمیم‌گیر و برنامه‌ریز محله	دو گزینه‌ای
شفافیت	اطلاع شهروندان از وجود طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی مربوط به محله	دو گزینه‌ای
	نظرخواهی از شهروندان در مورد طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی محله	طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای)

طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای)	میزان موفقیت شهرداری در ارائه خدمات	کارایی و اثربخشی
طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای)	میزان رضایت از ارائه خدمات توسط شهرداری	
طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای)	پیگیری امور، گرفتن وقت ملاقات از مسؤولین و مدیران منطقه برای بیان مسائل محله	مسئولیت- پذیری
طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای)	تمایل به مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله	
دو گزینه‌ای	شرکت در جلسات شورایی	مشارکت
طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای)	نقش شورایی/شهرداری/شورای شهر در افزایش مشارکت مردم در مدیریت محله	
دو گزینه‌ای	میزان شرکت مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله خود	
طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای)	میزان شرکت مردم در امور خیریه در سطح محله	
طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای)	امکان اصلاح و بهتر شدن امور محله با مشارکت	
طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای)	میزان موافقت و یا مخالفت مردم با : - شمر ثربودن و یا بیپوده‌بودن مشارکت - عدم تحقق وعده‌های کاندیداهای شورا به عنوان مانع مشارکت - عدم فرهنگ‌سازی (فقدان آموزش) به عنوان مانع مشارکت	
دو گزینه‌ای	پرداخت به موقع عوارض	
دو گزینه‌ای	نقش عوارض در بهبود امور محله	
دو گزینه‌ای	مشارکت و فعالیت داوطلبانه مردم در نظافت معابر، مناظر طبیعی و بهداشت محله	

مأخذ: نگارندگان

فرضیه‌ی نخست تحقیق به شرح زیر بوده است:
الف) وضعیت مؤلفه‌های حکمروایی در محله در که پایین‌تر از سطح متوسط است.

برای آزمون این فرضیه از آزمون t تک نمونه‌ای بهره گرفته شده است. میانگین هر یک از پرسش‌ها که پاسخ آن به صورت طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای است ۳ در نظر گرفته شده است. از مجموع میانگین‌ها، میانگین فرضی جامعه‌ی آماری در هر یک از مؤلفه‌ها به دست می‌آید. سرانجام، مجموع امتیازات تمامی مؤلفه‌ها، امتیاز نهایی جامعه‌ی آماری را به دست خواهد داد. در ادامه مؤلفه‌های حکمروایی اجتماع محلی به تفکیک تحلیل خواهد شد.

مؤلفه پاسخ‌گویی

جدول ۲. سطح مؤلفه‌ی پاسخ‌گویی با توجه به آزمون t تک نمونه‌ای

مؤلفه	میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
پاسخ‌گویی	۲/۴۱	-۸/۲۴۵	۹۹	/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول شماره ۲ که نشان دهنده‌ی وضعیت پاسخ‌گویی است و با توجه به مقدار t که برابر با -۸/۲۴۵ و درجه آزادی ۹۹ و سطح معنی‌داری /۰۰۰ و میانگین ۲/۴۱ که از میانگین فرضی ۳ کم تر است، مقدار پاسخ‌گویی در حد ضعیف یا پایین‌تر از حد متوسط و مناسب است.

مؤلفه حاکمیت قانون

جدول ۳. سطح حاکمیت قانون با توجه به آزمون t تک نمونه‌ای

مؤلفه	میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
حاکمیت قانون	۲/۲۳	-۸/۴۷۶	۹۹	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول شماره ۳ که نشان دهنده‌ی وضعیت حاکمیت قانون است و با توجه به مقدار t که برابر با -۸/۴۷۶ و درجه آزادی ۹۹ و سطح معنی‌داری /۰۰۰ و میانگین ۲/۲۳ که از میانگین فرضی ۳ کم تر است، مقدار حاکمیت قانون ضعیف یا پایین‌تر از حد متوسط است.

مؤلفه شفافیت

جدول ۴. سطح شفافیت با توجه به آزمون t تک نمونه‌ای

مؤلفه	میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
شفافیت	۲/۰۰	-۹/۷۵۷	۹۹	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول شماره ۴ که نشان‌دهنده وضعیت شفافیت است و با توجه به مقدار t که برابر با -۹/۷۵۷ و درجه آزادی ۹۹ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و میانگین ۲/۰۰ که از میانگین فرضی ۳ کم تر است، به روشنی پیداست که مقدار شفافیت ضعیف یا پایین‌تر از حد متوسط است.

مؤلفه کارایی و اثربخشی

جدول ۵. سطح کارایی و اثربخشی با توجه به آزمون t تک نمونه‌ای

مؤلفه	میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
کارایی و اثربخشی	۲/۵۸	-۴/۰۱۰	۹۹	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول شماره ۵ که نشان‌دهنده وضعیت کارایی و اثربخشی است و با توجه به مقدار t که برابر با -۴/۰۱۰ و درجه آزادی ۹۹ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و میانگین ۲/۵۸ که از میانگین فرضی ۳ کم تر است، می‌شود نتیجه گرفت که مقدار کارایی و اثربخشی ضعیف یا پایین‌تر از حد متوسط است.

مؤلفه مسؤولیت‌پذیری

جدول ۶. سطح مسؤولیت‌پذیری با توجه به آزمون t تک نمونه‌ای

مؤلفه	میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
مسؤولیت‌پذیری	۲/۴۵	-۶/۱۹۸	۹۹	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول شماره ۶ که نشان دهنده وضعیت مسؤولیت‌پذیری است و با توجه به مقدار t که برابر با $۶/۱۹۸-$ و درجه آزادی ۹۹ و سطح معنی‌داری $۰/۰۰۰$ و میانگین $۲/۴۵$ که از میانگین فرضی ۳ کم تر است، مقدار مسؤولیت‌پذیری ضعیف یا پایین‌تر از حد متوسط است.

استنتاج نهایی:

جدول ۷. سطح حکمروایی اجتماع محلی با توجه به آزمون t تک نمونه‌ای

ردیف	شرح	میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۱	حکمروایی اجتماع محلی	۲/۳۳	-۱۰/۴۴۲	۹۹	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول شماره ۷ که نشان دهنده وضعیت حکمروایی اجتماع محلی است و با توجه به مقدار t که برابر با $۱۰/۴۴۲-$ و درجه آزادی ۹۹ و سطح معنی‌داری $۰/۰۰۰$ و میانگین $۲/۳۳$ که از میانگین فرضی ۳ کم تر است، می‌شود گفت که امتیاز حکمروایی اجتماع محلی در حد ضعیف یا پایین‌تر از حد متوسط و مناسب است. بنابراین بر طبق جداول و توضیحات اشاره شده در این بخش فرضیه‌ی نخست تحقیق تأیید می‌شود. فرضیه‌ی دوم تحقیق به شرح زیر بوده است:

(ب) بین حکمروایی اجتماع محلی و مؤلفه مشارکت ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد.

جدول ۸. رابطه مشارکت با حکمروایی اجتماع محلی و مؤلفه‌های آن

مشارکت	پاسخ گویی	حاکمیت قانون	شفافیت	کارایی و اثربخشی	مسؤولیت‌پذیری	حکمروایی اجتماع محلی
ضریب	۰/۴۸۳**	۰/۲۶۰**	۰/۱۰۲	۰/۴۱۹**	۰/۵۵۱**	۰/۵۰۵**
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۱۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تعداد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

برای آزمون ارتباط بین حکمروایی اجتماع محلی و مؤلفه‌های آن با مؤلفه مشارکت از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که رابطه‌ی

معنادار و مستقیمی بین مشارکت با حکمروایی اجتماع محلی و مؤلفه‌های پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون، کارایی و اثربخشی، و مسؤولیت‌پذیری وجود دارد و در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار هستند. نمره همبستگی‌ها بیان‌گر این است که با کاهش مشارکت، امتیاز حکمروایی اجتماع محلی نیز کاهش می‌یابد و عکس این عمل نیز صادق است. بنابراین بر پایه‌ی جداول و توضیحات اشاره‌شده در این بخش، فرضیه‌ی دوم تحقیق نیز اثبات می‌شود.

نتیجه‌گیری

در حکمروایی شایسته اجتماع محلی بر انتخابی‌بودن مدیران محلی تأکید می‌شود. در پژوهش حاضر و در محدوده‌ی مورد مطالعه، شیوه‌ی انتصابی مدیر محله از نقایص موجود در این زمینه است. همچنین، سیاست‌گذاری ارتباطی مستلزم توجه به نقش شورایی‌ها و نیز تقویت نقش سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت اجرایی آن است.

در محدوده‌ی مورد مطالعه و در مورد نقش شورای شهر، شهرداری و شورایی در افزایش مشارکت پاسخگویان نقش پررنگ‌تری را برای شورایی قائل شده‌اند. مردم به امکان اصلاح امور محله با مشارکت اعتقاد دارند، اما در مقام عمل ۵۴ درصد بیان کردند که در تصمیم‌های مربوط به محله‌ی خود مشارکت ندارند. در حالی‌که مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها از ارکان مهم حق به توسعه اجتماع محلی و تحقق حکمروایی شایسته اجتماع محلی است. از این‌رو، بالا رفتن روحیه‌ی پاسخ‌گویی و پذیرفتن اشتباهات از سوی مسؤولین و مدیران شهری به‌ویژه در محدوده‌ی مورد مطالعه و تلاش برای رفع نواقص و بهبود امور محله می‌تواند در افزایش مشارکت اهالی محله، یاری‌گر باشد. در واقع، مدیران کارآمد، راه را برای شهروندانشان باز می‌گذارند تا در مسائل مربوط به محله‌ی خود مشارکت کنند؛ مشارکتی که حق آنان محسوب می‌شود. همچنین، پاسخ‌گویی به عنوان کلید موفقیت بسیاری از اقدامات و برنامه‌ها تلقی می‌شود. در واقع هنگامی که امور شفاف بوده و ساز و کارهای پاسخ‌گویی برقرار باشد، فساد نیز کاهش می‌یابد. در این تحقیق و در ذیل مؤلفه شفافیت ۷۷ درصد اهالی محله بیان کردند که از طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی مربوط به محله اطلاعی ندارند. در این راستا، شایسته است به جای افزایش دادن تعداد نهادها و انجمن‌هایی که حالت نمادین و رفع تکلیف را پیدا کرده‌اند تلاش شود کیفیت نهادها و انجمن‌های موجود بهبود پیدا کند و برای اهالی دربار‌هی طرح‌ها و سازوکارهای تهیه و اجرای آن توضیح داده شود. حاکمیت قانون نیز یکی از مؤلفه‌های حکمروایی است که

وضعیت آن ضعیف و پایین‌تر از مقدار متوسط ارزیابی شد. در این میان ۷۴ درصد اهالی محله بیان کردند که از سازمان‌های مسؤول محلی اطلاعی ندارند. این مؤلفه با دیگر مؤلفه‌ها در ارتباط تنگاتنگ است، از این‌رو، تلاش برای تقویت دیگر مؤلفه‌ها خود به تقویت این مؤلفه یاری می‌رساند. در مجموع، ضرورت دارد کسانی که با محله آشنایی بیش‌تری دارند و به عبارتی از اهالی محله، در نهادها و انجمن‌های محلی بهره‌ی بهتری برده شود. توجه به خواسته‌ها و نیازهای شهروندان و ایجاد فرصت تصمیم‌گیری از دیگر موارد است، که این مورد خود منوط به ظرفیت‌سازی (فردی، نهادی و اجتماعی) است.

منابع و مأخذ:

- ۱- آخوندی، عباس؛ برک پور، ناصر؛ اسدی، ایرج؛ بصیرت، میثم و طاهرخانی، حبیب‌اله؛ (۱۳۸۷). «آسیب‌شناسی مدل اداره امور در ایران»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳.
- ۲- اسدیان، فریده و سیاحی، زهرا (۱۳۹۰)، «نقش الگوی مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، مطالعه‌ی موردی: محله عامری اهواز»، سال چهاردهم، شماره ۱۱
- ۳- اطاعت، جواد و موسوی، زهرا (۱۳۹۲)، «تمرکززدایی اداری - مدیریتی»، در: مبانی توسعه پایدار در ایران، اطاعت و دیگران، نشر علم، ۲۵۰-۲۸۰
- ۴- اکبری، غضنفر؛ (۱۳۸۵). «سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری»، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳.
- ۵- برک پور، ناصر؛ اسدی، ایرج؛ (۱۳۸۸). گذار از مدیریت شهری به حکمروایی شهری، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
- ۶- توکلی‌نیا، جمیله و استادی سیسی، منصور (۱۳۸۸)، «تحلیل پایداری محله‌های کلان-شهر تهران با تأکید بر عملکرد شورایاری، نمونه موردی: محله‌های اوین، درکه و ولنجک»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۰
- ۷- رجبی، آزیتا (۱۳۹۰)، «شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرایندهای توسعه شهری»، سال چهاردهم، شماره ۱۱
- ۸- رضویان، محمد تقی؛ توکلی‌نیا، جمیله؛ قورچی، مرتضی؛ رستمی، قهرمان؛ (۱۳۹۴). «ارزیابی کارکرد مدیریت محله‌ای در محله آرات تهران بر پایه نمایه‌های حکمروایی خوب شهری»، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۳، شماره ۴
- ۹- رهنما، محمد رحیم، مافی، عزت‌اله و اسدی، روح‌اله (۱۳۸۹)، «تحلیل جایگاه حکمروایی خوب شهری در مشهد با الگوی SWOT»، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره پانزدهم، صص ۱۹۷-۲۳
- ۱۰- رهنمایی، محمدتقی، کشاورز، مهناز (۱۳۸۹)، «بررسی الگوی حکمروایی خوب و نقش دولت در مدیریت و اداره‌ی امور شهرها در ایران»، جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای (دو فصلنامه)، سال اول، شماره اول، ۲۳-۵۵
- ۱۱- سازمان ملل متحد، برنامه اسکان بشر؛ (۱۳۹۲). قابلیت‌های کلیدی برای بهبود حکمرانی محلی: مفاهیم و استراتژی‌ها، ترجمه: طیبه نادرآبادی و همکاران، انتشارات تپسا.

- ۱۲- سند هویت محله درکه؛(۱۳۸۶). شورایاری محله درکه، تهران.
- ۱۳- شعبانی، نگین؛(۱۳۷۹). برنامه‌ریزی فضایی - فعالیتی گذران اوقات فراغت در دره‌های کوهستانی با تأکید بر حساسیت‌های زیست‌محیطی نمونه موردی: بخش شمالی درکه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، گروه شهرسازی
- ۱۴- صرافی، مظفر؛(۱۳۷۷). مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ناشر: سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- ۱۵- صرافی، مظفر، توکلی‌نیا، جمیله و آقایی، عادل (۱۳۹۰)، «ناحیه‌محوری، ضرورت ارتقاء مدیریت محلی در شهرداری تهران (منطقه ۴)»، آمایش محیط، سال چهاردهم، شماره ۱۱
- ۱۶- فرزین‌پاک، شهرزاد؛(۱۳۸۳). «از آموختنی‌های شهر، حکمروایی خوب چیست؟»، ماهنامه شهرداری‌ها، سال ششم، شماره ۶۱.
- ۱۷- مهدوی، مسعود، طاهرخانی، مهدی؛(۱۳۸۵). کاربرد آمار در جغرافیا، نشر قومس، تهران.
- ۱۸- مهدیزاده، جواد؛(۱۳۸۰). «بسوی شهرسازی دموکراتیک»، مدیریت شهری، شماره ۵.
- ۱۹- نجاتی حسینی، سید محمود؛(۱۳۸۰). «جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت»، مدیریت شهری، شماره ۵.
- ۲۰- هاشمی، سید مناف؛ طاهرخانی، حبیب اله؛ بصیرت، میثم؛(۱۳۹۰). «نظام مدیریت شهری در برنامه پنجم توسعه»، نشر شهر، تهران.
- 21- Adusei-Asante, K. and Hancock, P. (2012). Theories in Community – Driven Development Operations: A Case Study of Ghana Local Government System, European Journal of Business and Social Sciences, Vol. 1, No. 5.
- 22- Bartlett, W., and Popovski, V. (2013). Local governance and social cohesion, Seventh Work Programme.
- 23- CIDA (2000). Capacity Development, Canadian International Development Agency, Vol. 1, No. 1.
- 24- Evans, Bob & Joas, Marko & Sundback, Susan and Theobald, Kate (2005), Governing Sustainable Cities, Earthscan

- 25- Frank, F., and Smith, A. (1999). The community development handbook: A tool to build community capacity, Human Resources Development Canada (HRDC).
- 26- Halsall, J.P. (2012). Community Governance – Where did it go Wrong. JOAAG, Vol. 7. No. 2, pp:1-8
- 27- Halsall, J.P. et al. (2013). Understanding Community Governance : A Global Perspective International Journal of Asian Social Science , 2013, 3(5):1112-1127.
- 28- Jonsson, U. (2003). Human Rights Approach to Development Programming, UNICEF
- 29- Mallik, V. (2013). Local and community governance for peace and development in Nepal, German Development Institute, Bonn.
- 30- Nyseth, T., and Ringholm, T. (2008). Municipal Response to Local Diversity: Flexibility in Community Governance”, Local Government Studies, Vol. 34, No. 4, pp:471–487.
- 31- Smyth, P., Reddel, T., and Jones, A. (2005). Community and local governance in Australia, University of New South Wales Publication.
- 32- Totikidis, V., Armstrong, A., and Francis, R.D. (2005). The Concept of Community Governance: A Preliminary Review, Refereed paper presented at the GovNet Conference, Monash University, Melbourne.
- 33- UNESCO (1956). The Definition of Community Development, working paper UNESCO/3, 22 June, Paris.
- 34- Woong Kim, B., Bell, D.S. (1985). The theory and applicability of democratic elitism to Korean public administration, Asian Journal of Public Administration.
- 35- Wyly, E. (2008). Community, Urban Studies 200, Cities, September 25, pp:1-11.
- 36- <http://darakeh.mytehran.ir/Default.aspx?tabid=13171>
- 37- www.unescap.org